



استاد نمونه دانشگاه
امام رضا (ع) و خادم حرم
رضوی، دانشجو یانش
رادر مسیر موفقیت
همراهی می کند

رشد و تعالی ادامه دارد



شریک یک زندگی ساده



درخواست احداث پل بر روی کال



علی علیزاده، قهرمان دوومیدانی
و پرمدال ترین ورزشکار مسابقات آسیایی ناشنوایان امسال است

پسری که تسلیم نمی شود

دسترسی اهالی شهید خاکپور ۵ به خیابان سرافرازان به سختی امکان پذیر است

درخواست احداث پل بر روی کال



نجمه موسوی کاهانی انبوه‌گذرگاه کافی روی کال بولوار برادران شهید خسروی باعث شده است اتصال خیابان شهید خاکپور با خیابان‌های سرافرازان مشکل باشد؛ مشکلی که غیر از موضوع رفت و آمد، اهالی بولوار سرافرازان را در مواردی همچون آلودگی محیط و نبود امنیت با معضلاتی روبه‌رو کرده است.

مسیر اصلی بچه مدرسه‌ای‌ها ناامن است

کوچه‌های خیابان شهید خاکپور از شماره یک تا همتی می‌شود به کالی که امتداد آن تا بولوار دلاوران پیش می‌رود و بقیه کوچه‌ها بن بست است. مدرسه‌های اطراف که تعطیل می‌شود، حاشیه این کال برمی‌شود از دانش‌آموزانی که برای رسیدن به خانه، کوتاه‌ترین مسیر را انتخاب می‌کنند. بین کوچه‌های شهید خاکپور یک و ۳ یک راه روی کال وجود دارد که مسیر رفت و آمد تعداد زیادی از ساکنان محله است. گروهی از بچه‌ها بعد از تعطیلی مدرسه در راه خانه هستند. محمدپارسامی گوید: خانه مادر کوچه شهید خاکپور ۳ است و از آخر کوچه راحت می‌روم خانه. اما مسیر محمددور تر است. محمدمی گوید: خانه مادر کوچه شهید خاکپور ۵ است. بادست، ادامه مسیر کال را نشان می‌دهد تا کوچه‌شان را ببینم. بعد ادامه می‌دهد: از خیابان شهید خاکپور ۳ می‌رویم داخل و از آنجا می‌رویم به خاکپور ۵. در نگاه اول به نظر نمی‌آید یک کوچه دورتر مسیر زیادی باشد. اما مادر محمد که باسب خریدش، کمی بعد از بچه‌ها به پل روی کال می‌رسد، می‌گوید: انتهای کوچه شهید خاکپور ۵ راهی برای عبور ندارد و تبدیل شده است به زباله‌دان، پاتوق زباله‌گردها و معتادها. راحت وارد می‌شوند و چون مسیر مردم هم نیست، کسی مزاحشان نمی‌شود. اما برای ماه‌های گذشته مزاحمت و ناامنی دارند. سماهدایتی ادامه می‌دهد: حتی خود شهرداری هم نرده‌ای گذاشته است تا ورودی بین خاکپور یک و ۳ را از خاکپور ۵ جدا کند. او همراه پسرش به سمت خانه راه می‌افتد و می‌گوید: با اینکه مدرسه فرزندم نزدیک است، نمی‌توانم او را به تنهایی بفرستم؛ چون بچه است و معنی خطر را نمی‌داند. امکان دارد از روی نرده‌ها بپرند تا از راه نزدیک‌تری بیاید.

جمع شدن بساط زباله‌گردها و معتادان

مریم منبئی، دانشجویی که از این مسیر به خانه می‌رود، می‌گوید: پنجره اتاق من درست روبه همین کال باز می‌شود. مشکل بزرگ تربوی متعفن و منظره زشتی است که از این زباله‌ها به وجود آمده و همچنین صدای عربده‌کنشی و ناسزاگفتن‌های رکیک جوان‌هایی است که این کال را پاتوق خود کرده‌اند. من حتی نمی‌توانم پنجره را باز کنم؛ چون دود موادی که مصرف می‌کنند به داخل اتاق می‌آید. او بانا راحتی می‌گوید: اگر آخر همین کوچه راهم ببینند، خوب است. بن بست که باشد، حداقل خلافتکارها راحت رفت و آمد نمی‌کنند.

رئیس شورای اجتماعی محله سرافرازان می‌گوید: یکی از مصوبات شورای اجتماعی محله که به درخواست مکرر مردم تصویب شد، احداث یک پل روی کال در انتهای کوچه شهید خاکپور ۵ است. مهدی‌خان محمدی ادامه می‌دهد: وقتی در این مسیر مردم تردد نکنند، هم پاتوق افراد معتاد و بزه‌کار جمع می‌شود و هم زباله‌گردها دیگر اینجارا انبار نمی‌کنند.

احداث پل بتنی تا نیمه دوم سال

رئیس اداره عمران و حمل‌ونقل شهرداری منطقه با تأیید این مشکل محلی می‌گوید: روی این کال یک پل وجود دارد که به نظر می‌رسد برای رفت و آمد مردم کافی است. اما مشکل اصلی مردم در انتهای کوچه شهید خاکپور ۵ این است که می‌خواهند یک مسیر تردد برای اهالی ایجاد شود تا فضا برای افرادی که حاشیه کال را به پاتوق تبدیل می‌کنند ناامن شود. کامران توتونچی ادامه می‌دهد: پس از بازدید از محل اعتبار ۱۳۰ میلیون تومان برای این پروژه در نظر گرفته شد. او با آذاری می‌کند: تولید دال را از اوایل خرداد شروع و ظرف پنج ماه آینده، پل بتنی احداث می‌کنیم. این پروژه تا شروع سال تحصیلی آینده آماده خواهد شد.

منطقه ۱۰

منطقه ۹

شهروندان محله رسالت از اجرای طرح سازمان ترافیک در میثاق ۵ گلایه دارند

طرح اجرا شد اما مشکل حل نشد!



آزیتا عطار اشهروندان شهرک آزاده، امید و میعاد برای تردد از سمت بزرگراه هاشمی رفسنجانی فقط یک ورودی دو طرفه دارند که آن هم معبر هاشمی رفسنجانی ۵ است. سال ۹۵ طرحی از سوی سازمان ترافیک برای این معبر در نظر گرفته شد که شامل اجرای آیلند میانی برای معبر هاشمی رفسنجانی ۵ بود تا از این طریق لاین خروجی و ورودی تفکیک و آمار تصادفات کم شود.

با این حال مردم همچنان شاهد خلاف جهت حرکت کردن برخی خودروهادر این معبر و ایجاد ترافیک و تصادف هستند. البته چند ماه پیش در جلسه‌ای، شهردار منطقه قول بازگشایی خیابان هاشمی رفسنجانی ۷ را برای رفع مشکل این معبر داد که باید منتظر آن ماند.

معبر نقص هندسی دارد

یکی از اعضای شورای اجتماعی محله می‌گوید: شهروندان در شهرک‌های آزاده، امید و میعاد از ترافیک و تصادف در این معبر به تنگ آمده‌اند. این خیابان هنوز هم نقص هندسی دارد و علتش هم این است که اجرای آیلند وسط معبر سبب شده است که خودروهان نتوانند راحت دور بزنند و باید چندبار ماشین را جلو و عقب کنند تا وارد معبر شوند. با اینکه به گفته اهالی تاکنون دو شهردار منطقه از این معبر بازدید کرده و قول‌هایی هم داده‌اند، این وضعیت مشکل دار هنوز سبب نااحتی اهالی می‌شود و راه‌ورد به شهرک امید و آزاده و میعاد هنوز مشکل دارد. سلیمان حاجی میرزا جان ادامه می‌دهد: همه ماشین‌های ورودی به شکل خلاف و از مسیر خروجی وارد این معبر می‌شوند و پاتوق به اینکه انتهای خیابان آزاده چند شهرک وجود دارد، در رسالت و نهضت ترافیک می‌شود.

قول داده بودند معبر هاشمی رفسنجانی ۷ ورودی باشد

یکی دیگر از فعالان فرهنگی اجتماعی این محدوده از شهر می‌گوید: در جلسه‌ای که چند ماه پیش به منظور رفع این مشکل برگزار شد، شهردار منطقه، وحید برجسته‌نژاد و نماینده سازمان ترافیک شهرداری، قول دادند که ورودی معبر هاشمی رفسنجانی ۷ را باز کنند که مشکل تردد در این خیابان رفع شود.

حسین قاسمی توضیح می‌دهد: در آن جلسه، نماینده سازمان ترافیک گفت که امکان برداشتن آیلند میانی خیابان هاشمی رفسنجانی ۵ نیست؛ به همین دلیل مشکلات فعلی را از طریق بازگشایی خیابان هاشمی رفسنجانی ۷ حل می‌کنند.

سمیه خورشادی یکی دیگر از شهروندان این محله است. او می‌گوید: ما فکر می‌کنیم شهرداری فقط به خاطر فروشگاه خودش که بین هاشمی رفسنجانی ۵ و خیابان آزاده است، خروجی خیابان هاشمی رفسنجانی ۷ را بسته و این بار ترافیک به خیابان آزاده و کوچه پس‌کوچه‌های محله میثاق اضافه شده است.

درخواست مکتوب بدهند، پیگیری می‌کنیم

رئیس اداره حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری منطقه ۱۰ می‌گوید: سال ۹۵ به دلیل تصادفات جرحی بسیاری که در ورودی خیابان هاشمی رفسنجانی ۵ اتفاق می‌افتاد، طرح سازمان ترافیک را اجرا کردیم و با اجرای آن طرح، آمار تصادفات و شدت آن‌ها در این معبر تا حد زیادی کاسته شد. احمد محمدی یادآور می‌شود: اجرای آیلند میانی در حال حاضر جلوی تصادفات شاخ‌به‌شاخ را گرفته است. معبر طوری نیست که خودرو با حرکت آرام، نیاز به چندبار دنده عقب گرفتن داشته باشد و این طرح هم در راستای گلایه‌های شهروندان آن محله برای بروز تصادفات و ترافیک اجرا شده است. وی می‌افزاید: اگر شهروندان باز هم گلایه دارند، باید آن را مکتوب کنند تا ما پاسند و مدرک به سازمان ترافیک ارائه دهیم و اگر طرح نیاز به اصلاحیه دارد، بانظر آن سازمان، اجرایش کنیم.

منطقه ۱۰

بساط دست‌فروشان جمع‌آوری می‌شود

به منظور زیباسازی منظر وسیع‌های شهری در سال گذشته ۴ هزار و ۱۶۸ خطریه سد معبر و نازیبایی معابر در منطقه ۱۰ صادر شده است.
شهردار منطقه ۱۰ با بیان اینکه اقدامات زیباسازی منظر شهری در راستای توجه به مطالبات مردمی و بر اساس ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها صورت می‌گیرد، افزود: در همین راستای سال گذشته ۲ هزار و ۷۲۵ بنر تبلیغاتی و تابلو غیرمجاز، ناهمگون، فرسوده و نازیباز منطقه جمع شد.
وحید برجسته‌نژاد با اشاره به جمع‌آوری دست‌فروشان منطقه بنا به تقاضای مردم که عامل نازیبایی و نابسامانی چهره شهر محسوب می‌شوند، ادامه داد: در این مدت بساط منجر به سد معبر ۶۴۰ دست‌فروش از منطقه جمع‌آوری شده است. /

لایروبی کانال آب‌های سطحی

هفته گذشته، مشهدبارندگی فراوان را تجربه کرد که به دنبال آن، روزانه ۱۱۱ هزار و ۵۵۰ متر طول از کانال هدایت و جمع‌آوری آب‌های سطحی منطقه ۱۰ از سوی پاکبانان نظافت و لایروبی می‌شود. همچنین ۲۸ حلقه چاه جاذب به منظور جلوگیری از آب‌فشار و جمع‌آوری آب‌های سطحی در این منطقه طی سال گذشته حفر شده است که به جذب آب‌های روان در روزهای پرباران کمک می‌کند. /

ملاقات شهروندان با شهردار منطقه ۱۰

ملاقات مردمی وی واسطه ۱۰ شهروند با شهردار منطقه ۱۰ برگزار شد. جلسه ملاقات مردمی وحید برجسته‌نژاد، شهردار این منطقه، با شهروندان، در راستای حل مشکل ساکنان منطقه و تکریم ارباب رجوع با حضور معاونان و رؤسای ادارات، دوشنبه هر هفته در سالن جلسات شهرداری منطقه برگزار می‌شود. در این نشست، درخواست‌های شهروندان از سوی شهردار منطقه بررسی و دستورات لازم صادر شد. /

منطقه ۹

بازسازی دیوار مدرسه تهذیب، در فاز بعدی



نقاشی دیوار مدرسه تهذیب و امام حسن مجتبی (ع) را که دیوار به دیوار هم هستند، در فاز اول پروژه اجرا کرده که برای آن ۳۰۰ میلیون تومان هزینه شده است و در فازهای بعدی، بقیه اعتبار تخصیص خواهد یافت. /

در تاریخ ۱۵ اردیبهشت در شهرآرامحله خبری چاپ شد که از بازسازی دیوار مدرسه تهذیب با اعتبار ۶ میلیارد ریالی خبر می‌داد. به دنبال چاپ این خبر، چند نفر از اهالی و اعضای شورای اجتماعی محله شقایق ۲ از دیوارهای مدرسه عکسی فرستادند و برایشان سؤال شد که اعتبار مدرسه تهذیب، در کدام محل هزینه شده است.
در اصلاحیه‌ای که از شهرداری منطقه به ماریسید، خاطر نشان شده است: پیمانکار تاکنون نرده گذاری و

۱۵ هزار متر خط‌کشی محوری از ابتدای امسال

از ابتدای امسال ۱۵ هزار متر خط‌کشی محوری معابر در بولوارهای کاه، کوثر، باغ و کیل آباد و بولوار پیروزی انجام شده است. اجرای طرح‌های اصلاح هندسی، نگهداری تجهیزات ترافیکی، احداث سرعت‌گیر و سرعت‌کاه و بازسازی گذرگاه‌های عابر پیاده از جمله پروژه‌های ترافیکی است که امسال در دستور کار اداره حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۹ قرار دارد. /

آسفالت ریزی فرعی‌های دلاوران ۱۱

معابر فرعی انتهایی دلاوران ۱۱ روکش آسفالت شد. این پروژه با هدف افزایش رفاه و ارتقای ضریب ایمنی، تسهیل در تردد شهروندان، مقابله با آب‌فشار و معابر در مواقع بارندگی و رفع معضلات بهداشتی و زیست‌محیطی به متر ۵ هزار متر مربع اجرا می‌شود. تاکنون فرعی‌های خیابان دلشاد، شاملو و شهید مهاجران آسفالت ریزی شده است. /

منطقه ۱۰

کرامت هم‌زمان است، در ادامه این برنامه سه روزه و در باقی مانده روزهای دهه کرامت، جشنواره علوم و نجوم را نیز تدارک دیده ایم.
او توضیح می‌دهد: این جشنواره یک جشنواره چند وجهی است که کانون‌ها و انجمن‌های علمی دانشگاه‌ها می‌توانند از آن بهره‌مند شوند و حتی در برنامه‌ها مشارکت کنند. عموم مردم نیز می‌توانند در این برنامه‌ها شرکت کنند. برای مهیج شدن برنامه، بازی‌هایی در کنار برنامه‌ها ارائه می‌شود که ماهیت علمی دارد و همه می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. /

سپس از خدمات بیست ایستگاه فرهنگی ورزشی از جمله بخش رباتیک، بازی‌های تعادلی، برج هیجان، اورینگامی و بازی‌های بومی و محلی بهره‌مند شدند.
قدرتی همچنین می‌گوید: این بخش از برنامه دهه کرامت در وسعت مخاطبان کل شهر و از چهارشنبه ۱۹ تا شنبه ۲۲ اردیبهشت اجرا شد، ولی به مناسبت دهه کرامت، این برنامه‌ها از ۲۳ تا ۲۴ اردیبهشت به گونه‌ای متفاوت و با مخاطبان دیگری ادامه دارد.
معاون فرهنگی و اجتماعی منطقه ۱۰ با بیان این مطلب می‌افزاید: با توجه به اینکه امسال هفته جهانی نجوم بوده

این خدمات بهره‌بردارند. روز سوم هم برنامه‌های مهیج و علمی برای پسران کودک کار در نظر گرفته شد. عقیل قدرتی یادآور می‌شود: در این طرح ۳۸۰ نفر از مددجویان تحت پوشش بهزیستی در این سه گروه به میزبانی منطقه ۱۰ در جشنواره علمی، تفریحی و ورزشی شرکت کردند و در پایان این برنامه، پذیرایی میان وعده و ناهار و هدیه برای مخاطبان در نظر گرفته شد. این مسئول می‌افزاید: طی برنامه، ابتدا مخاطبان از ظرفیت‌های بوستان دانش همچون آزمایشگاه مجهز به تجهیزات علمی، افلاک‌نما و آلمان‌های بوستان استفاده کردند.

آزیتا عطار به مناسبت دهه کرامت، جشنواره کرامت رضوی با برنامه‌های متنوع و جذاب برای عموم و به ویژه دختران در بوستان موضوعی دانش و به میزبانی شهرداری منطقه ۱۰ برگزار شد.
معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۱۰ می‌گوید: این طرح که با مشارکت اداره بهزیستی مشهد و معاونت فرهنگی و اجتماعی منطقه ۱۰ به مناسبت ولادت حضرت معصومه (س) برگزار شد، دو روز و ویژه دختران داشت که روز اول دختران نوجوان معلول و روز دوم دختران ساکن خانه فرزندان بهزیستی از

بوستان دانش در دهه کرامت پراز هیاهوی بازی و یادگیری علوم است

جشنواره‌ای برای دختران و عموم



در بازدید عضو شورای شهر و شهردار منطقه از پروژه‌های زودبازده مطرح شد

تخصیص اعتبار به چهار چشمه



و طرح‌هایی برای رفع مشکل ترافیک این محدوده ارائه شد. ایمان فرهمندی به رؤسای شورای اجتماعی محله گفت: طبق مصوبه جدید، محله چهار چشمه نیز به محلات حاشیه‌ای اضافه شده است. این اتفاق باعث می‌شود اعتبار محلات حاشیه‌ای شامل محله چهار چشمه نیز بشود.

دسترسی‌های اورژانسی در اولویت است

مقدم در ادامه بازدیدها از پروژه بازگشایی مسیر سرفرازان ۱۳ نیز دیدن کرد و گفت: در محلاتی که از قدیم به صورت قولنامه‌ای ساخته شده‌اند، برخی مسیرها مسدود شده است و رفت و آمد خودروهایی و به ویژه خودروهایی اورژانسی ممکن نبود. به همین دلیل بازگشایی مسیرهای چهار چشمه و ایجاد دسترسی برای کوچه‌هایی که بعد از سرفرازان ۱۳ قرار گرفته‌اند، در اولویت کارها قرار گرفت. شهردار منطقه ادامه داد: با قرار گرفتن محله چهار چشمه در فهرست محلات حاشیه‌ای، تخصیص اعتبار راحت‌تر انجام می‌شود و دستم‌ان برای اجرای پروژه‌های عمرانی بازتر است.

نجمه موسوی‌کاهانی پروژه‌های زودبازده‌ای که در محلات حاشیه‌ای اجرا شده است، گره بسیاری از مشکلات اهالی این محلات را باز کرده و رضایت فراوان ایجاد کرده است. با توجه به اهمیت اجرای این پروژه‌ها شهردار منطقه ۹ به همراه عضو شورای اسلامی شهر مشهد و تعدادی از رؤسای ادارات شهرداری منطقه و نیز رؤسای شوراهای اجتماعی محلات از پروژه‌های نیمه تمام بازدید کردند.

پروژه‌هایی برای توانمندسازی افراد

سعید حسینقلی زاده مقدم روند پروژه‌های سالن ورزشی و کانون فرهنگی محله شقایق ۲ را از نزدیک بررسی کرد و گفت: اجرای پروژه‌های ورزشی و فرهنگی می‌تواند در ارتقای سطح زندگی اهالی محلات حاشیه‌ای تأثیر بسزایی داشته باشد. ما مرکزی را در این محله تعریف کرده ایم که به توانمندسازی همه افراد و به‌طور ویژه زنان بپردازد تا در صورت نیاز در موضوع معیشت نیز توانایی کسب و کار داشته باشند.
در ادامه بازدید به هفت تیر ۳۵ در محله شقایق یک رفتیم

علی علیزاده، قهرمان دو و میدانی و پرمدال ترین ورزشکار مسابقات آسیایی ناشنوایان امسال است

پسری که تسلیم نمی شود

منطقه

۱۰

کارهای خانه را به من محول می کردند

علی در یک خانواده کم جمعیت و آرام بزرگ شده. با اینکه بچه روستا است، تنه‌ایک خواهر به نام فاطمه دارد. شاید بتول خانم و آقا غلامحسین از این موضوع هراس داشتند که بچه‌های دیگر آن‌ها هم ناشنوا به دنیا بیایند؛ به همین دلیل علی رغم خواسته پدر و مادرشان، به داشتن علی و فاطمه بسنده کردند و همه تلاششان را برای خوب بزرگ شدن آن‌ها گذاشتند. این‌ها ترجمه حرف‌های علی بتول خانم است. هرچه نباشد او سال هاست که با دو ناشنوا زندگی می‌کند و همه حرکات دست و دهان آن‌ها را می‌شناسد. البته خود علی هم لب خوانی بلد است و اگر سمعک داشته باشد، به اندازه پنج درصد شنوایی دارد.

بتول خانم همان اول حرف‌های علی چشم‌هایش خیس می‌شود. همان جایی که پسرش در شروع کلام، از پدر و مادرش تشکر می‌کند و می‌گوید: معتقدم که بهترین پدر و مادر را داشته‌ام و این‌ها حالا که بزرگ شده‌ام، بیشتر می‌فهمم. بچه‌ها بودند، مادر به من کارهای خانه را محول می‌کرد تا انجام بدهم. نمی‌خواست حالا که ناشنوا هستم، گوشه‌گیر و منزوی بار بیایم. تازه یک وقت‌هایی فاطمه را صدای می‌کرد و می‌گفت: «به علی نگاه کن! نه تو و نه پدرت نمی‌توانید مثل او کار کنید.»

بتول خانم بین کلام علی می‌گوید: درست است که علی ناشنواست اما از پس کارهایش برمی‌آید. در لباس شستن و ظرف شستن هم به من کمک می‌کند. او آشپزی بلد است، گواهی نامه رانندگی دارد و خیلی وقت‌ها من و خواهرش را بیرون می‌برد. خیلی تلاش کردیم که علی به خاطر ناشنوا بودن افسرده نشود. ما علی‌های زیادی در مملکتمان داریم که روی استعدادها آن‌ها درست کار نشده است؛ به همین دلیل بعضی افراد ناشنوا هیچ وقت اعتماد به نفس پیدا نمی‌کنند. آن‌ها یابی سواد می‌مانند یا صبح تا شب گوشه‌خانه‌کزی می‌کنند و هیچ هنری ندارند.



انتظار دارند به جای دویدن پرواز کنیم!

تشویق علی به ورزش و تحصیل از همان کودکی در خانواده جریان داشته است؛ خانواده‌ام هیچ وقت از زوردهایی که زدم، تعجب نکردند؛ چون ایمان داشتند که از عهده انجامش برمی‌آیم. آن‌ها همیشه انتظار یک کار استثنایی تر از من دارند؛ مثلاً توقع دارند من به جای دویدن، پرواز کنم (باخنده). به من می‌گویند حالا مگر چه کار کرده‌ای؟ این زورده‌ها برای تو چیزی نیست، در مسابقات بعدی باید بهتر باشی.»

وقتی علی در مسابقات استانی اول می‌شود، مادرش به او می‌گوید که این رقابت‌ها برای استعداد تو توانایی تو کوچک است؛ دفعه بعدی در مسابقات کشوری باید قهرمان شوی. همان‌هم می‌شود. علی سال بعدش در مسابقات کشوری که در قزوین برگزار شد، صاحب گردن آویز طلایی شوی و این عنوان را در مسابقات کشوری تبریز و ارومیه و اصفهان و تهران هم تکرار می‌کند. دوندۀ قهرمان محله میثاق ادامه می‌دهد؛ یکی از رشته‌های دوومیدانی که در آن حضور داشتیم، دوی استقامت ۱۲ کیلومتر بود. بعد از این رقابت، کف پاهایم تاول زد و پوست پوست شد. مادرم همان جا، وقتی پوست‌های کف پایم را با ناخن گیر می‌کند، گفت: «حالا نوبت مسابقات قهرمانی آسیاست. تو باید عضو تیم ملی و نماینده کشورمان باشی.» باز هم همان شد و این مسیر قهرمانی همچنان ادامه دارد.

علی به گاو تکیه داد و خوابید!

بتول خانم از بچگی علی می‌گوید، پسر پر شور و شوری که به قول خودشان از دیوار راست بالا می‌رفت و گاهی با کارهایش تن و بدن پدر و مادرش را می‌لرزاند. بتول خانم خاطره‌ای از زندگی در گاوداری برایمان تعریف می‌کند؛ «یک شب ساعت ۸، علی در گاوداری گم شد! هرچه با پدرش این‌ور و آن‌ور را گشتیم، پیدا نش کردیم. یکی دو همسایه را خبر کردیم و همگی دنبالش گشتیم. بالاخره دم صبح بود که علی را بین گاوها پیدا کردیم. رفته بود به یکی از گاوها تکیه زده و همان جا خوابش برده بود. جالب این است که آن گاو هم تادم صبح و وقت شیردوشی، از جایش تکان نخورده بود!»

رضایحی شاید هیچ کس فکرش را نمی‌کرد همان پسر بچه‌ای که کودکی خود را در دامداری کوچکی در اطراف تربت حیدر به‌گذرانده و به‌طور مادرزادی ناشنواست، روزی عضو تیم ملی و قهرمان آسیا در رشته دوومیدانی باشد. علی همان موقع هم یاد و دیدن غریبه نبود. او هر روز با پدرش گوسفندان را به چرایی برد و همان جا از این طرف دشت به آن طرف دشت می‌دوید و بازی می‌کرد.

علی یک ساله بود که پدر و مادرش فهمیدند ناشنواست. البته این بیماری در خانواده آن‌ها چندان هم غریب نیست. پدرش، عمویش و یک عمه‌اش هم ناشنوا هستند و به گفته پزشکان این ارث ناخوشایند در وجود علی هم ریشه دوانده است.

پسر باز یگوش روایت ما. اما آدم تسلیم شدن نیست. او با سختی قد کشیده و با وجود ناشنوایی، زندگی را دوست دارد؛ به همین دلیل از هشت سالگی شروع کرد به درس خواندن و پس از سپری کردن دوران ابتدایی، برای تحصیل در هنرستان ویژه ناشنوایان حضرت فاطمه زهرا (س) به مشهد آمد. او کلی زحمت کشید تا دیپلمش را گرفت و حالا هم خودش را برای رفتن به دانشگاه و تحصیل در رشته تربیت بدنی آماده می‌کند.

علی علیزاده از همان زمان تحصیل در هنرستان، وقتی دید در تیم فوتبال مدرسه جای برایش نیست، به پیشنهاد معلم ورزشش، دویدن را آغاز کرد و حالا دوسالی می‌شود که عضو تیم ملی دوومیدانی ایران است و کلی مدال استانی و کشوری و آسیایی دارد.

تعبیری که علی علیزاده، قهرمان ناشنوا محله میثاق، همیشه برای خودش به کار می‌برد، این است: «من پذیرفته‌ام که قهرمان ناشنوا باقی بمانم.»



تولاغرمردنی هستی!

دوئنده ناشنوای محله میثاق هشت سالش که می شود، هوای درس خواندن به سرش می زند. اوتا کلاس ششم را در شهرش، تربت حیدریه، درس می خواند و بعد از آن برای ادامه تحصیل در مقطع متوسطه به مشهد می آید و در هنرستان ویژه ناشنوایان حضرت زهرا^(س) درسش را ادامه می دهد. مسافت زیاد و شرایط خاص علی باعث می شود او در خوابگاه مدرسه اقامت داشته باشد و سال هادوری از خانواده را تحمل کند؛ فقط برای اینکه ادامه تحصیل برایش بسیار با اهمیت بوده است. او الان دیپلم دارد، اما آینده ای روشن برای خودش ترسیم کرده است و قصد دارد از مهر امسال در مقطع کارشناسی رشته

تربیت بدنی درسش را ادامه دهد. علی می گوید: دبیرستان بودم که به رشته دوومیدانی علاقه مند شدم. اول فوتبال بازی می کردم و در دروازه می ایستادم، اما چیه ها زیاد من را به حساب نمی آوردند. می گفتند «تولاغرمردنی هستی و راحت گل می خوری!» معلم ورزش یک روز من را کشید کنار و بهم گفت: «توهیکلت جان می دهد برای دوومیدانی، چون لاغر و تر که ای هستی و سرعتت زیاد است.» همین حرف آقا معلم زندگی من را ز پرور کرد. از همان روز رفتم دنبال ورزش دوومیدانی. اول در مسابقات مدارس مشهد مسابقه دادم، بعد به مسابقات استانی دعوت شدم و از سه سال پیش، پای ثابت مسابقات کشوری هستم و سه عنوان قهرمانی کشور را هم به دست آورده ام.



اگر شغل داشتیم، قهرمان جهان می شدم

علی با اینکه چند روز دیگر بیست و پنج سالگی اش تمام می شود، بیکار است. البته او همراه پدر و مادرش کشاورزی می کند، فصل زعفران که می شود، خانواده چهار نفره عزیزان سرزمین کشاورزی کارگری می کنند. پاک کردن گل زعفران دیگر کاری است که آن هادر انجامش تخصص دارند و او آخر مهر هر سال، یک ماهی سرشان را گرم می کند. اما کشاورزی یک کار فصلی است و نمی توان به عنوان یک درآمد ثابت رویش حساب کرد. بزرگ ترین آرزوی علی این است که شغلی داشته باشد و می گوید: اگر برای خودم درآمدی داشته باشم، قول می دهم قهرمان جهان شوم. علی می گوید: با اینکه همه تلاشم را کردم تا توانایی ام را ثابت کنم، هیچ جابه من شغل ندادند. خیلی به این درون در زدم اما هیچ فایده ای نداشته است. وقتی از شرکت ها و ارگان ها دلیلیش را می پرسم که چرا در میان این همه کارگرونیرو جایی برای من نیست، می گویند که نیروی کار تحصیل کرده و متخصص زیاد است. پس من چه؟ زندگی فردی مثل من که ناشنوا هستم و دوست دارم برای خودم خانواده ای داشته باشم، چه می شود؟ آینده ورزشی من چطور پیش می رود؟ من تا کی می خواهم برای هزینه زندگی حرفه ای و ورزشی از پدرم پول بگیرم؟ او خودش کارگر است و هزار نوع دل مشغولی و نگرانی دارد.

پرمثال ترین ورزشکار مسابقات آسیایی

علی از سال گذشته عضو تیم ملی دوومیدانی ناشنوایان ایران است. اوتا کنون یک بار در مسابقات جهانی روسیه شرکت کرده و مقام هشتم را به دست آورده است. دوئنده جوان منطقه مایک بار هم حضور در مسابقات آسیایی اربیل عراق را تجربه کرده که در آن ورزشکاران شنوایان هم حضور داشته اند و آنجا مدال برنز را به گردش آورده است. اما او ج درخشش علی به مسابقات آسیایی برمی گردد که مدتی پیش در تهران برگزار شد و او سه مدال برنز و یک مدال نقره در رشته های مختلف به دست آورد و عنوان پرمثال ترین ورزشکار این رقابت ها را به خودش اختصاص داد.

علی در رشته ۸۰۰ متر، ۳ هزار متر و ۴ در ۴۰۰ متر امدادی مدال برنز را به دست آورد و در دوی ۱۵۰۰ متر، مدال نقره را به خودش اختصاص داد.

بتول خانم و آقا غلامحسین از موفقیت های پسرشان بسیار خوشنود هستند. بتول خانم می گوید: ما زندگی مان را وقف علی کرده ایم، چون لیاقتش را دارد. درست است که مسئولان به او توجهی ندارند، اما من و پدرش فرش زیر پایمان را می فرشیم تا او به آرزوهایش برسد.



علی ادامه می دهد: اگر این سختی را به جان خریدم، به خاطر این بود که به قهرمانی برسیم و زندگی خودم و خانواده ام را تغییر دهیم. من فکر می کردم با زدن رکورد به عنوان یک فرد ناشنوا شرایطم عوض می شود، در حالی که برای قهرمانی در مسابقات کشوری به من ۳،۲ میلیون دادند و زندگی من طوری در میان مشکلات پیش رفت که حتی توانایی پرداخت شهریه هنرستان را نداشتم و کم بود که رهایش کنم.

اول خدا، بعد کفش هایم و بعد خانواده ام

حکایت داستان علی بی شباهت به حکایت شخصیت علی، در فیلم بچه های آسمان نیست، همان قدر قوی و محکم که دنبال آرزوهایش می دود و ناامید نمی شود. علی علاقه بسیاری به کفش هایش دارد، همان کتانی هایی که جای رقبایش هستند و وقتی به پای می کند، همه تلاشش را به کار می گیرد تا بهترین باشد. «در راه رسیدن به موفقیت، اول از همه خدا حامی من بوده است. بعد هم رفقا (کفش ها) و خانواده ام. رفیقم را قبل از خانواده ام می گویم، چون من و او همیشه با هم هستیم. او به من، نزدیک تر از همه است. هیچ وقت تنها نمی گذارم و زیر پایم را خالی نکرده است. تا به حال پنج رفیق داشته و همگی آن ها را پیش خودم نگاه داشته ام. دلهم می خواهد همیشه کنارم باشند».

رفتن به کربلا

علی یکی دو ماه دیگر در مسابقات آسیایی مالزی شرکت می کند و بعدش هم نوبت حضور در المپیک ویژه ناشنوایان است. قهرمانی آرزوی هر ورزشکار است، اما علی یک آرزوی بزرگ تر هم دارد و آن رفتن به کربلا و زیارت امام حسین^(ع) است. علی می گوید: بعد از قهرمانی در مسابقات آسیایی در دل خودم گفتم، یا حسین^(ع)، بغضم گرفته بودم و گریه می کردم. امام حسین^(ع)، کسی است که من هر شب با او حرف می زنم. واقعه کربلا و لحظات قبل از شهادت امام حسین^(ع) تأثیر زیادی بر من دارد و عمیق در کش می کنم. همیشه به این فکر می کنم که چطور، یک انسان می تواند تا آخرین لحظه زنده ماندنش، روحیه داشته باشد و حتی بعد از اینکه از این دنیا می رود، برای قرن ها نامش ماندگار شود. روایت زندگی امام حسین^(ع) هم به من انگیزه می دهد و هم روحیه.

استاد نمونه دانشگاه امام رضا (ع) و خادم حرم رضوی
دانشجویانش را در مسیر موفقیت همراهی می کند

رشد و تعالی ادامه دارد

نجمه موسوی کاهانی در مراسمی که هفته معلم امسال در دانشگاه امام رضا^(ع) برگزار شد، وقتی اسم استاد علی حکیم زاده را به عنوان استاد نمونه اعلام کردند، دانشجویانی که با او واحد درسی گذرانده بودند، بیشتر از همه خوشحال شدند و تشویق هایشان تمامی نداشت. استاد نمونه دانشگاه امام رضا^(ع) معیارهای ارزشیابی زیادی دارد که فقط یکی از آن ها نظر سنجی از دانشجویان است و حکیم زاده با توانمندی های علمی و اخلاقی که حاصل سال ها ممارست اوست، در میان ۱۷۰ استاد این دانشگاه عنوان برترین را به خودش اختصاص داد. برقراری ارتباط استاد با دانشجویان و علاقه مند کردن آن ها به کلاس درس، مهارت خاصی می خواهد که هر فرد از عهده آن بر نمی آید اما گواه موفقیت حکیم زاده، استاد نمونه محله اقبال، در برقراری ارتباط خوب و دوستانه با این نسل، دانشجویانی هستند که برای حضور در کلاس درس های حوزه مدیریت بازار، استراتژی، کارآفرینی، اشتغال زایی و بازاریابی این استاد لحظه شماری می کنند.

آشنایی با زبان جوان امروز

به اعتقاد استاد نمونه دانشگاه امام رضا^(ع) کار بانسل جدید سخت است، اما در مدت چهار سال که او در این دانشگاه مشغول است، همیشه کلاس هایش بیشترین تقاضای را داشته است. حکیم زاده می گوید: دو موضوع در برخورد با نسل های این نسل مطرح است: یکی اینکه خودمان را به روز نگه داریم تا مخاطبان احساس کند به زبان و علم روز با او حرف می زنیم. موضوع دوم این است که با اصطلاحات و دنیای جوان امروز آشنا باشیم. او که خودش پدر دوجوان دوازده و هجده ساله است و توانسته از تباطو خوبی با آرینا و آریوداشته باشد و فرزندانش مشارکت در فعالیت های اجتماعی و حضور در بازارهای مختلف را با پشتوانه راهنمایی های پدر تجربه می کنند، ادامه می دهد: من به عنوان پدر و معلم می دانم که سطح علمی این نسل از نسل های دهه ۶۰ و ۷۰ بالاتر است، اما به دلیل تک فرزندی و کم شدن روابط خانوادگی نسبت به قدیم، روابط اجتماعی ضعیف تری دارند. این هنر من است که بدانم با خصوصیات این نسل که بسیار هم عجول هستند، چطور برخورد کنم که هم درس را گوش کنند و هم حرف شنوی داشته باشند.



منطقه ۹

توفیق خادمی در حرم

استاد نمونه دانشگاه امام رضا^(ع) معتقد است مسیر رشد هیچ وقت متوقف نمی شود. می گوید: از هشت سالگی می رفتم سرکار. با همین روحیه در دوره دبیرستان و دانشگاه هم همیشه به دنبال رشد اقتصادی و یادگیری معادلات بازار بودم. همیشه دوست داشتم رشد کنم و هیچ وقت در شأن خودم نمی دیدم از کسی کمک بگیرم. طی سه ترم دوره کارشناسی ارشد را در رشته مدیریت بازاریابی تمام کردم و در رشته مدیریت بازار و کسب و کار وارد دوره دکتری شدم. دوره دکتری را هم سه ساله تمام کردم. الان به جز دانشگاه امام رضا^(ع)، در دانشگاه آزاد و دانشگاه علمی کاربردی هم تدریس می کنم و علاوه بر آن با دانشجویان زیادی به عنوان استاد راهنمای پایان نامه کارشناسی ارشد همکاری دارم. حکیم زاده بعد از فارغ التحصیلی، آگهی استخدام در آستان قدس رضوی را دیده است و در آزمون و مصاحبه شرکت کرده و دوازده سال به عنوان برنامه نویس در سازمان فناوری و اطلاعات آستان قدس رضوی مشغول شده تا اینکه سال ۹۰ به درخواست مدیرعامل سازمان آتش نشانی برای کمک در حوزه مدیریت عامل و ارتقای سیستم آبی این سازمان، کار در این مجموعه را شروع کرده است. یکی از افتخارات او که در دوران کاری اش در آستان قدس رضوی به دست آمده است، خدمت در حرم مطهر رضوی است و از سال ۸۸ در بخش دربانان کشیک هفتم توفیق خدمت دارد.

مشاور کارآفرینی دانشجویان

اوپا افتخار از موفقیت دانشجویانش صحبت می کند و می گوید: در وضعیت شغلی که بسیاری از بچه ها از بازار ناامید هستند، دانشجویانی دارم که با راهکارهایی که به آن ها می گویم، پیش می روند و موفق هم هستند. یکی در بازار مبل، طرح های جدیدی ارائه کرده است و دیگری در بازار غذا، یکی هم خیاطی بلد بود و دوخت لوازم آشپزخانه و لباس نوزاد را به او پیشنهاد دادم. حتی دانشجویی داشتم که شغل پدری اش در میدان بار بود و در همان فضا به او کاری پیشنهاد کردم که موفق است. کافی است مسیر درست و نیاز بازار را به آن ها نشان بدهیم. البته بعد از اینکه وارد بازار می شوند هم در کنارشان هستیم و به آن ها مشورت می دهیم.

حکیم زاده به خاطر ارتباط درست و مؤثر بانسل جدید در بخش نظرسنجی از دانشجویان بیشتر رضایت را به دست آورده است. او که در سال های گذشته هم جزو سه استاد برتر دانشگاه بوده است، می گوید: شاخصه ها برای انتخاب استاد نمونه زیاد بوده است. نظرسنجی از دانشجویان، توان علمی، نحوه تدریس، فعالیت های غیردرسی و فرهنگی، همکاری و مساعدت با دانشجویان و شئون استادان همگی از آیتم های این ارزیابی بوده است.

وی در حال حاضر علاوه بر تدریس در دانشگاه ها، دارای پست مدیریتی در حوزه سرمایه گذاری و مشارکت های مردمی شهرداری مشهد است.

نقل يك خاطرہ

از خدمت در بخش دربانان کشیک هفتم

یکی از شب هایی که زائران بسیاری به حرم مطهر آمده بودند، موقع اذان مغرب، من در یکی از صحن ها مشغول خدمت بودم و نماز گزاران را راهنمایی می کردم که از حرم بیرون نروند. همکاران من هم کمک می کردند. اتفاقاً بیشتر زوار مهمانان خارجی بودند که برای سلسله نشست های اسلامی به ایران دعوت شده بودند. این از حرم بعد از نماز هم ادامه داشت تا زمان شام. از همکارانم در کشیک هفتم خواستم که به مهمانان سرابروند و شامشان را بخورند و خودم ماندم تا در آن شلوغی اتفاقی نیفتد. آخر شب دوستانم گفتند قبل از اینکه به آسایشگاه خدام بروی، یک سر به مهمانان سرابزن، شاید شام برایت مانده باشد. رفتم و چیزی از غذا مانده بود. من هم اصرار نکردم و برگشتم. در مسیر یک نفر از کارکنان مهمان سرا پشت سرم آمد و گفت: شما رانمی شناسم، اما احساس می کنم جزو میهمانان خاص حضرت هستید. امشب مراسم ویژه ای برای عده ای از مهمانان خارجی داریم که شمارا هم به این مراسم دعوت می کنم. آن شب پیش خودم فکر کردم وقتی اولویت خدمت به زائر باشد، می توانی مهمان ویژه حضرت باشی.



زبان ساده برای تدریس

سارا خوشدل، دانشجوی دهه هشتادی

سومین ترم است که با استاد حکیم زاده واحد درسی دارم. بازاریابی اسلامی، بین الملل و کارآفرینی را با ایشان گذرانده ام و بهترین برداشت ها را از این دروس داشته ام، چون استاد غیر از مسائل اخلاقی، مباحث علمی را به زبان عامیانه و با مثال های قابل فهم بیان می کند. بخشی از کار را از دانشجوی می خواهد، اما اول مطلب را برایشان روشن می کند.



تمام زنان ایران

آرینا، فرزند استاد

یادم است چند سال قبل، کتاب «زنان موفق ایران» را مطالعه می کردم که پدرم وارد اتاق شد و به من گفت: نام تمام دختران ایران می تواند در این کتاب باشد، به شرط اینکه خودشان را باور کنند. او همیشه تأکید می کند که علاوه بر درس، باید مهارت هایمان را گسترش دهیم و تک بعدی نباشیم. همین نگاه دلسوزانه را به دانشجویان هم دارد.



استاد اخلاق مدار

سیده شیرین درخشنده، کارشناس گروه مدیریت دانشگاه امام رضا^(ع)

یکی از خصوصیات مهم استاد حکیم زاده، انعطاف پذیری و اخلاق مداری و مدارای او با همکاران و دانشجویان است. ثبت به موقع طرح درس و اعلام نمرات، رضایت گروه و دانشجویان را به دنبال دارد.

اهالی محله اقبال در روز دختر به یک عروسی ویژه دعوت شدند

شریک یک زندگی ساده



نجمه موسوی کاهانی اسفرد عقدر و به روی عروس و داماد پهن شده است و دختران جوان بالای سرشان قند می‌سازند. عاقد بعد از اینکه چهارده سکه را به عنوان مهر به اعلام می‌کند، می‌پرسد: «وکیلیم؟»، و صدایی می‌گوید: «عروس رفته است گل بچینید». عاقد برای بار دوم می‌گوید و بار سوم، صدای عروس در میان کل کشیدن‌های جمعیتی که سالن ورزشی شهید صیاد شیرازی را پر کرده‌اند، به سختی شنیده می‌شود. چهره اش هم زیر شال بلند سفید رنگش پنهان شده است. ساق‌دوش‌های این جشن، دختران کودک و نوجوانی هستند که از سراسر منطقه مابه مراسم ازدواج آسانی دعوت شده‌اند که در روز دختر برگزار شده است. داماد که سکوت کرده و منتظر است، با شنیدن «بله، عروس خانم لبخندی بر لبش می‌نشیند. عاقد بلند می‌گوید: ازدواج را آسان بگیرد. آن قدرها هم که فکر می‌کنید سخت نیست. بگذارید جوان‌هایی مانند سعید و عسل بروند سر زندگی‌شان. این جشن ازدواج با مشارکت معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه و بسیج در روز دختر برگزار شد و اهالی محله اقبال میهمان این برنامه بودند.

● در هیچ موردی سخت‌گیری نکردیم

آقای داماد بیست و نه ساله اهل یکی از روستاهای چناران است و هر روز با امید به خدا کوله بارش را برمی‌دارد و می‌رود سرگذر تا ببیند روزی اش چقدر است. وقتی به مادرش گفته است برایش دختری نجیب و سازگار پیدا کند، عسل را از طبقه برای او نشان کرده‌اند. دختری نوزده ساله که پدرش مانند سعید کارگر است و قناعت را از مادرش یاد گرفته است. سعید که می‌داند شریک زندگی اش شرایط او را درک می‌کند، می‌گوید: از همان اول که برای خواستگاری رفتیم، گفتیم که مسائل مالی دو خانواده را در نظر بگیریم و در هیچ موردی سخت‌گیری نکنیم. گفتیم که خانه ندارم و دار و ندار خانواده ام یک سمند قدیمی مدل ۸۳ است که گاهی از پدرم قرض می‌گیرم.

سعید با اینکه تحصیلات عالی ندارد و بعد از دیپلم درسش را ادامه داده است، درک بالایی دارد و می‌داند که نباید از پدر عسل هم توقع چیزی به زبانی داشته باشد. او می‌گوید: قرار است زندگی مان را با هم بسازیم. با پس اندازی که داریم یک خانه کوچک رهن کرده و اسباب و وسایل اولیه مورد نیاز را تهیه می‌کنیم.

وقتی شال عسل را از صورتش کنار می‌زنم تا با او صحبت کنم، می‌بینم صورتش از اشک خیس است. نفسی عمیق می‌کشد و می‌گوید: برای من اصلاح شرایط مالی مهم نیست؛ چون خودم هم در رفاه بزرگ نشده‌ام. امامی دانم شیرینی زندگی به این است که زن و شوهر همدیگر را درک کنند و زندگی را آسان بگیرند. از اینکه خداوند همسری نصیب کرده است که من و خانواده ام را درک می‌کند. شاکر و خوشحالم.

● هدیه کر بلا به عروس و داماد زائر اولی

جشن دخترانه داماد و مولودی و سرود و شادمانی سالن را پر کرده است. حاضران به عروس و داماد هدیه می‌دهند تا پول رهن خانه این عروس و داماد را فراهم کنند. در میان همه هدایای یکی از همه شیرین تر است و اشک در چشمان دامادی نشانده، مادر شهیدی که نه اسم خودش و نه شهیدش را اعلام می‌کند. یک ماه عسل و دوفره به کر بلا به این زائر اولی های دوست داشتنی هدیه می‌دهد.

عیدگاه

راه و تجربه

بانوی محله شاهد
بدون سرمایه برای خودش
اشتغال زایی کرده است

سود کم اما با برکت



● کمر همت بستم که کمک خرج خانواده باشم

سه سال پیش با افزایش هزینه‌های زندگی، با همسرش مشورت کرده کسبی برای خودش دست و پا کند؛ «وقتی با همسرم ماجرا مطرح کردم، گفت اشکالی ندارد در بازارهایی که مشتری‌هایش خانم‌ها هستند، کار کنی. خودم هم کمکت می‌کنم.» پیش از اینکه با ادویه‌های ترکیبی مخصوص غذاها آشنا شود و کار مستقلی را آغاز کند، دوسالی را در چند فروشگاه داروهای گیاهی مشغول فعالیت بود و متوجه شده بود محصولاتی که به مشتری عرضه می‌شود اغلب غیر بهداشتی و کهنه است و روش تهیه سالمی ندارد. همین شد که تصمیم گرفت از همان شروع کارش، سلامت مردم را اولین اصل در کسبش قرار دهد.

می‌گوید: چون پسرهای خواهرم در کار کلی فروشی خشکبار و گیاهان هستند، تصمیم گرفتم در این زمینه مشغول کار شوم. این شد که در کلاس‌های خانم‌های جوی شرکت کردم و ایشان یادم دادند که برای هر مدل غذا، ادویه ترکیبی مخصوص همان غذا درست کنیم، مثلاً ماهی، مرغ، ماکارونی، استانبولی و... همه ادویه مخصوص به خود را دارند.

● همسرم کمک دستم است

یک سال است به جز فروش بین همسایه‌ها و مسجدی‌ها، وارد بازارچه فروش شده است. می‌گوید: همسرم وقتی عشق من را به این کار دید و متوجه شد هر وقت خالی در شبانه روز را به آسیاب کردن ادویه جات و پاک کردن و خشک کردن سبزیجات می‌گذرانم، خودش هم با من همراهی کرد و حالا کمک دستم است.

زهرآخانم معتقد است اگر چه این کار سود زیادی ندارد، برای زحمتی که دارد برکت عجیبی با خودش دارد؛ تاکنون خیلی از آرزوهای خودم و بچه‌هایم را برآورده کرده‌ام و در همین مدت، فرش و لباس شویی و یخچال و وسایل منزل را با همین کار تغییر داده‌ام. دلم می‌خواهد آرزوهای فرزندانم خاطر شود.

● افتتاح فروشگاه محصولات ارگانیک

او هنوز دستگاه خشک کن ندارد و فعلاً به روش‌های سنتی، محصولاتش را خشک و آسیاب و الک می‌کند. می‌گوید: شاید اصلاً زحمتش به چشم نیاید، ولی خیلی دلم می‌خواهد یک بار فیلم بگیرم که ببینید این کار را بهداشتی و سالم انجام دادن، اصلاً آسان نیست و خیلی دقیق و با رعایت اصول بهداشتی باید انجام شود.

هدفش این است آن قدر پیشرفت کند که بتواند فروشگاه‌های از محصولات ارگانیک داشته باشد و فرزندان هم در کنارش مشغول کار شوند؛ «همیشه هر وقت از خانه بیرون می‌آیم، دعا می‌کنم این است که خدا یا به من آن قدر روزی بدهد که بتوانم کارم را گسترش دهم.»

محلات منطقه ما:

۹: نوفل لوشاتو، رضاشهر، طالقانی، سرافرازان، چهارچشمه، کوثر، هاشمیه، هنرستان، نیرو هوایی، آب و برق، اقبال، زکریا، لادن، شقایق ۱ و شقایق ۲، گلدیس و ولی عصر (ع)

۱۰: رازی، استاد یوسفی، شریعتی، شاهد، لشکر، فرهنگیان، امامیه، رسالت، حجاب، ایثارگران، امام هادی (ع)، خاتم الانبیا (ص) و میثاق

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سر دبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر شهرآرا محله: فاطمه خلخالی استاد
دبیر شهرآرا محله منطقه ۹ و ۱۰: رضا ریاحی
تلفن شهرآرا محله منطقه ۹: ۳۸۸۳۸۸۵۲
تلفن شهرآرا محله منطقه ۱۰: ۳۶۶۲۹۴۸۰

شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
دفتر منطقه ۹: بولوار وکیل آباد، ابتدای بولوار هاشمیه
دفتر منطقه ۱۰: نبش استاد یوسفی ۱۳ فرهنگسرای خانواده
سایت مشهدچهره: mashhadchehreh.shahraranevs.ir
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از: shahraranevs.ir



معبری با خانه های یک شکل

گفته اهالی، این خانه ها از استحکام مناسبی برخوردار است، هر چند در سالیان اخیر برخی از آن ها را کوبیده و به جایش واحدهای نو ساخته اند. این کوچه انواع کاربری های تفریحی و فضای سبز، مذهبی و فرهنگی و آموزشی را در خود جای داده و به همین دلیل رفت و آمد در آن زیاد است.

رضاریاحی | کوچه ادیب ۳۲ در محله حجاب به نام شهید احمد تقویان نوغان نام گذاری شده است. شاخصه مهم این کوچه، خانه های سه طبقه متحدالشکلی است که در همه معابر فرعی قرار گرفته و نما و در ورودی و مترائز واحدهای آن، برابر است. قدمت این خانه ها به اوایل دهه ۷۰ برمی گردد. به

کوچه ادیب ۳۲ (محله امامیه)

منطقه ۱۰



دارالقرآن فیض الحسین (ع) از دیگر مراکز مذهبی این معبر است که کلاس های آموزش قرائت و حفظ قرآن را برای همه سنین برگزار می کند. به تازگی مهد قرآنی فیض الحسین (ع) نیز در این مرکز راه اندازی شده است.



مسجد، حسینیه و مجتمع فرهنگی امام حسین (ع) که سال ۱۳۷۶ بنا شد، در این معبر قرار دارد. پایگاه بسیج خواهران و برادران، شورای حل اختلاف و درالقرآن از جمله بخش های این مسجد پررفت و آمد است.



بستان ادیب در حدود یک هکتار وسعت دارد. پیست دوچرخه سواری، نشیمن مناسب و مسیر پیاده روی از جمله امکانات این بستان محلی است.

دبستان دخترانه مهشید مصلی نژاد در این کوچه قرار دارد. این دبستان از امکانات آموزشی ویژه ای برخوردار است از جمله زمین و سالن ورزشی، آزمایشگاه، کارگاه، مرکز بازی کودکان و ...

